

انتشار غزل قدیمی از رهبر انقلاب

در لگدکوب حوادث، جان دیگر یافتم

مقام معظم رهبری غزلی یار دیف «بر خاستم» دارند که حجت‌الاسلام جواد محمدزمانی، شاعر آیینی آن‌رامنشتر کرد. به گزارش فارس، حجت‌الاسلام جواد محمدزمانی، شاعر آیینی در فضای مجازی نوشت: روز ولادت حضرت زهر(س) از حضرت آقا فرسیدم: قبال‌ها غزلی با ر دیف «بر خاستم» سروده بودید؟ فرمودند: قبال‌ها قایم بله. روز عزای امام هادی (ع) بود. مجلس به پایان رسید. فرمودند: آن غزل با ر دیف «بر خاستم» را پیدا کردم، اگر هستید بگویم به شما بدهند. گفتم: بله آقا. ۱۰ دقیقه بعد غزل به دستم رسید و حالا این همان غزل قدیمی است:

از سر تا بغبار افشاند جان بر خاستم

چون الف در وصل جانان از میان بر خاستم
غرغ خون هر چند جام روزی‌ام چون لاله بود
از کنار خوان قسمت شادمان بر خاستم
مقصدا از سامان هستی مهر تابان تو بود

همچو ششم چهره چون دادی نشان بر خاستم

در لگد کوب حوادث جان دیگر یافتم

چون غبار از زیر پای کاروان بر خاستم

همچو بلبل با گر انجانان ندارم الفتی
طوطیان تالاب گشودند از میان بر خاستم
صحبت شوریده حالا ماه به شوریدی است
با «امین» هر که نشستم بی‌امان بر خاستم

دیدهبان



دیوار نگاره جدید میدان ولی عصر (عج) رونمایی شد

سحرگاه بیست‌ونهمین روز از نخستین ماه زمستان ۱۴۰۲ جدیدترین دیوارنگاره میدان ولی عصر(عج) رونمایی شد.
بامداد دبروز برای حمایت از تیم ملی فوتبال ایران از جدیدترین دیوارنگاره میدان ولی عصر(عج) با نام «تا پای جان برای ایران» رونمایی شد. طراح گرافیکی این دیوارنگاره امین فلاحیان و طراح نوشتاری آن نیز مجتبی حسن‌زاده بوده و این اثر در خانه طراحان انقلاب اسلامی خلق شده‌است.

این دیوارنگاره به‌عنوان نمادی از روحیه ایثار و شجاعت، به‌عنوان یکی از نمادهای بارز انقلاب اسلامی ایران شناخته می‌شود. دیوارنگاره در طول روزها مورد بازدید و تحسین مردم قرار خواهد گرفت.

این دیوارنگاره به‌عنوان نمادی از روحیه ایثار و شجاعت، به‌عنوان یکی از نمادهای بارز انقلاب اسلامی ایران شناخته می‌شود. دیوارنگاره در طول روزها مورد بازدید و تحسین مردم قرار خواهد گرفت.

سحرگاه بیست‌ونهمین روز از نخستین ماه زمستان ۱۴۰۲ جدیدترین دیوارنگاره میدان ولی عصر(عج) رونمایی شد.
بامداد دبروز برای حمایت از تیم ملی فوتبال ایران از جدیدترین دیوارنگاره میدان ولی عصر(عج) با نام «تا پای جان برای ایران» رونمایی شد. طراح گرافیکی این دیوارنگاره امین فلاحیان و طراح نوشتاری آن نیز مجتبی حسن‌زاده بوده و این اثر در خانه طراحان انقلاب اسلامی خلق شده‌است.

این دیوارنگاره به‌عنوان نمادی از روحیه ایثار و شجاعت، به‌عنوان یکی از نمادهای بارز انقلاب اسلامی ایران شناخته می‌شود. دیوارنگاره در طول روزها مورد بازدید و تحسین مردم قرار خواهد گرفت.



پوسترهای شاخص انقلاب اسلامی در جشنواره تجسمی فجر

بخش آنچه در آن پهنه شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر به پوسترهای انقلاب اسلامی می‌پردازد. بخش آنچه در اینه، بخش غیرقابتی جشنواره تجسمی فجر است که از دوره چهاردهم با رویکردی پژوهشی برای چهار دوره برنام‌ریزی‌و به بخش‌های مختلف افزوده شده‌است. بر این اساس «پنه در آینه ۱» در دوره چهاردهم به مرور آثار نقاشی انقلاب اسلامی پرداخت و «پنه در آینه ۲» در جشنواره پانزدهم با عنوان «تهران ۵۷» به هنر کلاسی اختصاص داشت. محمد خزایی، دبیر بخش آنچه در اینه شانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر درباره رویکرد اصلاح این بخش در جشنواره به فارس گفت: بخش آنچه در اینه هر سال به یک حوزه از هنرهای تجسمی می‌پردازد. در جشنواره چهاردهم به بخش نقاشی و پانزدهم به عکاسی پرداخته شده بود. اسامیل در شانزدهمین جشنواره تجسمی فجر به پوسترهای انقلاب توجه شده‌است. در این بخش حدود ۶۰ آثار برنده تجسمی پوسترهای اوایل انقلاب به نمایش درمی آید. وی افزود: آثار از اوایل انقلاب از حوزه هنری و موزه‌ها به امانت گرفته شده و آن راگردآوری کرده‌ام. لزوماً مسیر تاریخی و اثرگذاری این آثار برای ما مهم است، نه کیفیت آنها، به خاطر همسازي در این بخش توجه شده است. دبیر بخش آنچه در اینه خاطر نشان کرد: مجموعه‌ای از پوسترهای انقلاب که بیشتر آنها به اوایل انقلاب با شور و هیجانی که وجود داشت باز می‌گردد. در این بخش تنها به پوسترهای دوران انقلاب پرداخته شده‌است. اگر امکان چاپ آنها باشد اتفاق مثبتی رخ می‌دهد. محمد خزایی در خاتمه اظهار داشت: وجه تاریخی و بنیادی هنرهای تجسمی در طول انقلاب با این بخش به نمایش درمی آید تا بینندگان از مسیر تکاملی عکاس، پوستر و غیره از زمان انقلاب تا به امروز آگاه شوند. در واقع کارنامه چندین ساله‌ای است که به نمایش درمی آید.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: محمدجواد اخوان
سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهیداکبر زجاجی (چهارم‌هم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۰۶۰-۸۸۵۲۳۰۶۰-فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۰۹۲۲-۸۸۷۳
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۹۵۲ | شنبه ۳۰ دی ۱۴۰۲ | ۸ رجب ۱۴۴۵ | اذان ظهر: ۱۲:۱۵ | غروب آفتاب: ۱۷:۱۹ | مغرب:۱۷:۳۸ | شنبه ششم شهری: ۲۲:۳۱ | اذان صبح فردا: ۵:۴۵ | طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۱

در گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان مستند «رقصنده با گرگ» مطرح شد

مقدمه‌ای برای تیراژ آخر!



■ **مصطفی شاه‌کرمی**
مستند «رقصنده با گرگ» به کارگردانی علی عارضي، محصل مؤسسه فرهنگی هنری آندیشه شهید آوینی است که نگاهی غیرمستقیم و دراماتیزه به فتنه ۱۰ و روزه سال گذشته کشورمان دارد. کارگردان این مستند که از سوی هیئت داوران جشنواره عمار به عنوان یکی از نامزدهای کسب‌عنوان برگزیده بخش آرمان روح‌الله معرفی شده در گفت‌وگو با «جوان» از چگونگی فرم‌روایی، وجه‌نمایی و مراحل مختلف تولید آن نکاتی را مطرح می‌کند.

■ ■ ■
برای ورود به بحث ابتدا در رابطه چگونگی شکل‌گیری ایده اولیه تولید مستند «رقصنده با گرگ» کمی توضیح بدهید.

دقیقاًنیمه آبان‌ماه سال گذشته در حال بررسی اخبار بودم که تلویزیون خبر برپای یک نشست در شورای امنیت سازمان ملل موسوم به نشست غیررسمی «آر یا فورمولا» را گزارش می‌کرد که در آن یک خانم به ظاهر ایرانی به اسم نازنین بنیادی در حال روخوانی یک بیانیه ضد، ایرانی بود و مدام اتهاماتی را علیه کشورمان مطرح می‌کرد و مدعی بود فرزنس اطلاعات و منبع گزارشش هم یک خانمی در ایران است که به‌خاطر به وجود نیامدن مشکلات امنیتی برای او، اسمی از وی نمی‌برد.

یک نکته‌ای که در این نشست برای من جالب بود، حضور دولتمردان و مقامات دولتی آمریکا در اطراف این خانم بود کسانی مثل رابرت مالی که به عنوان مسئول یا معمار تحریم‌های آمریکا علیه کشورمان بود یا نماینده آمریکا در سازمان ملل و چند نفر دیگر از مسئولان آمریکایی. این تصویر مرا به فکر فرو برد که چطور یک شخص که ادعای ایرانی بودن دارد حاضر می‌شود، نباید و یک بیانیه را از دروغ‌های عجیب و غریب علیه کشورش روخوانی کند؟! چند روزی ذهنم را مشغول کرده بود که به یاد خبری در سال‌ها پیش افتادم که آمریکایی‌ها دقیقاًقبل از جنگ خلیج فارس یک چنین سناریویی را اجرا کردند. در آنجادم دختر بچه‌ای را جلوی دوربین آوردند و او یک بیانیه را روخوانی می‌کرد که منبع و رفرنس اتهاماتی بود که در آن بیانیه ذکر می‌شد. یک منبع مجهول بود که به‌خاطر مسائل امنیتی اسمی از او برده نمی‌شدا شباهت این دو مورد برای من دغدغه شد تا در قالب یک مستند به این فریب افکار عمومی از سوی آمریکا بپردازم که در همان قالب، اما با تغییر بازگردانن در مورد کشورهای مختلف اجرا می‌شود. بالاخره بعضی‌ها با گرگ‌ها که همان دشمنان مردم هستند، می‌رقصند!

این عنوان رقصنده با گرگ یادآور فیلم مشهور «رقصنده با گرگ‌ها» به کارگردانی باژ بگری کوین کاستنر است که بر اساس رمان ما پیکل بلیک ساخته شده و یک فیلم وسترن و حماسی محسوب می‌شود، اما مستند شما به نوعی از وجه استعاری این عنوان بهره می‌برد، آیا علت خاص یا ارتباطی بین مستند شما و این اثر وجود دارد؟

ما فقط لفظ را به‌عباریه گرفتم و اصلاًربط معنایی یا مفهومی به فیلم معروف کوین کاستنر که شما اشاره کردید، ندارد. به‌واقع دلیلی ندارد که ارتباط موضوعی داشته باشد. ضمن اینکه مخاطب ما در این مستند مخاطب عام جامعه است و ممکن است این تداعی که برای افراد فیلم بین و سینماورد در مورد عنوان مستند ایجاد شود، ولی برای آنها اتفاق نیفتد تا آنها را مقایسه کنند. با توجه به‌بازخوردهایی که هم از اطرافیانم در مورد مستند گرفتم، تقریباًهیچ‌کدام از آنهاذهن‌شان به سمت فیلم رقصنده با گرگ‌ها منتقل نشده بود. ضمن اینکه این‌روش در مورد فیلم‌هایی دیگر که در زائرهای متنوع ساخته می‌شود هم مستند استفاده قرار می‌گیرد و ممکن است اسم یک فیلم یا بخشی از آن را برای یک فیلم دیگر به کار ببریم، ولی لزوماًهیچ ارتباط محتوایی و موضوعی بین آنها وجود نداشته و صرفاً یک اشتراک لفظی وجود داشته باشد.

در مورد وجه تسمیه مستند و علت انتخاب آن برای این اثر توضیح دهید.

من برای هر کاری که می‌خواهم شروع کنم در ابتدا یک نام اولیه انتخاب می‌کنم و در ادامه دو سه شکل گرفتن متن، نام آن را تغییر می‌دهم، چون در جریان پژوهش و تکمیل متن به یک نکاتی می‌رسیم که ترجیح می‌دهم آن اسم اولیه عوض شود. وقتی این کار را شروع کردم در ابتدا نامش عملیات فریب بود.

البته خیلی عنوان کلیشه‌ای بوده؟

بله، خیلی کلیشه‌ای بود. بعد از ادامه مسیر پژوهش

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: محمدجواد اخوان
سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهیداکبر زجاجی (چهارم‌هم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۰۶۰-۸۸۵۲۳۰۶۰-فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۰۹۲۲-۸۸۷۳
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۹۵۲ | شنبه ۳۰ دی ۱۴۰۲ | ۸ رجب ۱۴۴۵ | اذان ظهر: ۱۲:۱۵ | غروب آفتاب: ۱۷:۱۹ | مغرب:۱۷:۳۸ | شنبه ششم شهری: ۲۲:۳۱ | اذان صبح فردا: ۵:۴۵ | طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۱

در گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان مستند «رقصنده با گرگ» مطرح شد

مقدمه‌ای برای تیراژ آخر!



منظور تان این است که مستند رقصنده با گرگ، مقدمه‌ای طولانی برای تیراژ ۲۰ ثانیه‌ای آخر آن است؟
دقیقا، همه کار مقدمه و پیش‌زمینه گفتن ۲۰ثانیه آخر است.

از همان ابتدا چنین تصمیمی داشتید؟
وقتی ما این نکته را با دوستانمان مطرح کردیم بنا داشتیم دوربین و زاویه نگاه مستند را از جمهوری اسلامی فراتر ببریم و تصویر دوربین‌مان را لانگ‌شات کنیم و تا حد ممکن بالا ببریم، چون بحث ما این نبود که مثلاًفلان شخص با جمهوری اسلامی یا نوع حکومت مشکل دارد، بلکه بحث این بود که این کلاغ‌ها با اصل ایران مشکل دارند و به همین خاطر با گرگ‌ها همدانسان شدند. ما معتقدیم کسانی که حتی با نوع حکومت به مشکل دارند، هرگز با تجربه و اشغال ایران موافق نیستند و به هیچ عنوان با این افراد که در حال ایران‌فروشی هستند، نه مخالفت با جمهوری اسلامی، همراهی‌شوند. سیر قهقهه ما هم این بود تا نمونه‌های تاریخی مشابه اینگونه وطن‌فروشی‌ها و بازی‌های رسانه‌ای را که آمریکا به راه می‌اندازد به مخاطب یادآوری کنیم و این چیز خیلی عجیب و غریبی هم نیست، چون از مسئله جنگ خلیج فارس و دروغ‌های آمریکا و غربی‌ها برای حمله به کشورهای منطقه هستند و ممکن است رویکرد محتوای فیلم را لو بدهد. حین جست‌وجو و پژوهش یک مطلبی خواندم مبنی بر اینکه وقتی گرگ‌های می‌خوانند به شکار بروند و طعمه‌ای را شکار کنند - مخصوصاً در فصل زمستان - این کلاغ‌ها هستند که به کمک آنها می‌آیند، یعنی کلاغ‌ها از بالا و هنگام پرواز وقتی شکاری را می‌بینند یا ایجاد سروصدا و هیاهو گرگ‌ها را به آن سمت هدایت می‌کنند.

و نوشتن فیلمنامه به یاد نگاه استعاری افتادم که گرگ‌ها را نماد دشمن می‌داند، ضمن اینکه از طرفی مایل نبودم یک اسم کلیشه‌ای روی کار بگذارم، به‌خصوص عنوانی که خیلی سریع و سراسرت هستند و ممکن است رویکرد محتوای فیلم را لو بدهد. حین جست‌وجو و پژوهش یک مطلبی خواندم مبنی بر اینکه وقتی گرگ‌های می‌خوانند به شکار بروند و طعمه‌ای را شکار کنند - مخصوصاً در فصل زمستان - این کلاغ‌ها هستند که به کمک آنها می‌آیند، یعنی کلاغ‌ها از بالا و هنگام پرواز وقتی شکاری را می‌بینند یا ایجاد سروصدا و هیاهو گرگ‌ها را به آن سمت هدایت می‌کنند.

در واقع اشاره شما به همان قصه اسطوره‌ای هراهی کلاغ‌ها و گرگ‌هاست که کلاغ‌ها به گرگ‌ها کمک می‌دهند تا از پس مانده غذای گرگ‌ها غذایی هم عاید آنها شود.

بله، البته این یک نگاه تخیلی نیست و به قول شما کلاغ‌ها با ایجاد سروصدا به گرگ‌ها کمک می‌دهند و موقعیت شکار را نشان می‌دهند تا گرگ‌ها بیابند و آن طعمه را شکار کنند و آنها هم بعد از سیر شدن گرگ‌ها از باقیمانده لاشه شکار چیزی گیرشان می‌آید. نکته قابل اعتنا اینجاست که کلاغ‌ها به‌خاطر دوستی با گرگ‌ها چنین اقدامی نمی‌کنند، بلکه صرفاً بین و سینماورد در مورد عنوان مستند ایجاد شود، ولی برای آنها اتفاق نیفتد تا آنها را مقایسه کنند. با توجه به‌بازخوردهایی که هم از اطرافیانم در مورد مستند گرفتم، تقریباًهیچ‌کدام از آنهاذهن‌شان به سمت فیلم رقصنده با گرگ‌ها منتقل نشده بود. ضمن اینکه این‌روش در مورد فیلم‌هایی دیگر که در زائرهای متنوع ساخته می‌شود هم مستند استفاده قرار می‌گیرد و ممکن است اسم یک فیلم یا بخشی از آن را برای یک فیلم دیگر به کار ببریم، ولی لزوماًهیچ ارتباط محتوایی و موضوعی بین آنها وجود نداشته و صرفاً یک اشتراک لفظی وجود داشته باشد.

در مورد وجه تسمیه مستند و علت انتخاب آن برای این اثر توضیح دهید.

من برای هر کاری که می‌خواهم شروع کنم در ابتدا یک نام اولیه انتخاب می‌کنم و در ادامه دو سه شکل گرفتن متن، نام آن را تغییر می‌دهم، چون در جریان پژوهش و تکمیل متن به یک نکاتی می‌رسیم که ترجیح می‌دهم آن اسم اولیه عوض شود. وقتی این کار را شروع کردم در ابتدا نامش عملیات فریب بود.

البته خیلی عنوان کلیشه‌ای بوده؟
بله، خیلی کلیشه‌ای بود. بعد از ادامه مسیر پژوهش و نوشتن فیلمنامه به یاد نگاه استعاری افتادم که گرگ‌ها را نماد دشمن می‌داند، ضمن اینکه از طرفی مایل نبودم یک اسم کلیشه‌ای روی کار بگذارم، به‌خصوص عنوانی که خیلی سریع و سراسرت هستند و ممکن است رویکرد محتوای فیلم را لو بدهد. حین جست‌وجو و پژوهش یک مطلبی خواندم مبنی بر اینکه وقتی گرگ‌های می‌خوانند به شکار بروند و طعمه‌ای را شکار کنند - مخصوصاً در فصل زمستان - این کلاغ‌ها هستند که به کمک آنها می‌آیند، یعنی کلاغ‌ها از بالا و هنگام پرواز وقتی شکاری را می‌بینند یا ایجاد سروصدا و هیاهو گرگ‌ها را به آن سمت هدایت می‌کنند.

حکمت

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه و آله وسلم:

با هم غذا بخورید و پراکنده نباشید، که برکت باجماعت است.

بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۳۴۹

در گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان مستند «رقصنده با گرگ» مطرح شد

مقدمه‌ای برای تیراژ آخر!



کتاب

عدم پیچیدگی در روایت ویژگی کتاب «از مود تا لاهه» است

اولین کلمه این کتاب مشکل دارم. به نظر این کتاب هنوز به مستند روایی تبدیل نشده است. این کتاب مستنداتی در مورد زندگی دکتر بلالی مود است و ما در کتاب با جزئیات زیادی روبه‌رو هستیم که گاهی برای شناخت ایده مرکزی به ما کمک می‌کند. خواننده مجبور است که خود از جزئیات نتیجه بگیرد و این نکته در یکسوم پایانی کتاب بیشتر است. برای نثر فارسی روایت اهمیت بسیاری دارد و زبان فارسی شایسته روایت در ۲ یا با کیفیت معمولی نیست. ما هنوز نتوانسته‌ایم حد و مرزهای روایت را رد کنیم و روایت در چه یک داشته باشیم. بنابراین همتی لازم است که ما نویسنده‌ها تصمیم بگیریم قدم به قدم یا را از خط و مرزهای روایتگری فراتر بگذاریم. به شخصیت‌ها و مسائل مختلف بپردازیم. ما باید برای نوشتن از موضوعاتی چون دفاع مقدس و مفاخر ایران حساس تر باشیم تا روزبه‌روز کیفیت کارها بیشتر و آثار جهانی تولید شود.

■ **مقایسه دانشگاه‌های ایران با دانشگاه‌های بریتانیا**
رضیه نظر لو، نویسنده کتاب نیز در این نشست به وجوه مختلف خدمات دکتر بلالی مود اشاره کرد و گفت: دکتر بلالی مود توجه زیادی به جانبازان شیمیایی داشت. او نقشی فراتر از پزشک برای این افراد ایفا می‌کرد. مسئله مهم دیگری که در این کتاب به آن پرداخته شده است، مقایسه دانشگاه‌های ایران با دانشگاه‌های بریتانیاست و دکتر بلالی مود بطور دقیق این مسئله را مورد واکاوی قرار داد. مرتضی قاضی نیز در توضیح بیشتر خدمات دکتر بلالی مود عنوان کرد: دکتر بلالی مود تمام نقش پدر را برای جانبازان شیمیایی ایفا کرده‌اند. ایشان تحقیقی در مورد کرونا انجام دادند و نکته مهمی که در مورد این ویروس بیان کردند، این بود که کرونا ساخته دست انسان بوده است. رطباطی که دکتر بلالی مود با اساتید مختلف برقرار کرد کاملاً بیابگر این بوده که در دوران جنگ تحمیلی عراق، توانایی و تجهیزات لازم برای ساخت چنین سم‌هایی را نداشته و واضح است که این تجهیزات را آمریکا در اختیار آنها قرار می‌داد. فداکاری این دکتر بلالی مود در تمام مراحل این مسیری که انتخاب کرده، کاملاً به چشم می‌خورد. در فصولی از کتاب، دکتر بلالی مود می‌گوید: روزی من اینقدر از این بیماران شیمیایی مراقبت کرده بودم، چشم‌هایم قرمز شده بود. پدرم پرسید چه شده؟ این بیماران هم‌اگر بزرگوارند یک نفره و اوایگر دار نیستند. درحالی‌که اوایگر دار بودند و سموم، روی ماینز اثر می‌گذاشتند. من فکر می‌کنم این فصل جنگ هنوز جا برای صحبت کردن دارد.

شعر

در محفل افتتاحیه هجدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر مطرح شد

می توانیم از طریق شعر گفت‌وگو کنیم و خاطره جمعی بسازیم

نیز برعهده داشته‌است. اوامسال یعنی در هجدهمین دوره این جشنواره نیز دبیری را برعهده دارد و قرار است با فعالیت‌های مفصلی که تدارک دیده، رنگ جدیدی بر جشنواره بزند.

رضانی ادامه داد: امیدوارم مجموعه فعالیت‌هایی که این روزها در سراسر کشور در حال رخ دادن است، کمک کند تا شاعران گرامی بیشتر شناخته شوند و شعرشان در سراسر کشور شنیده شود. خانه کتاب و ادبیات ایران با برگزاری این جشنواره و جایزه ادبی جلال آل‌اللهم به عنوان دو بال رشد جریان‌های شعری و داستان‌نویسی کشور به رونق شعر و داستان کمک و با همیاری انجمن‌های استانی و ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها، چراغ این حوزه‌ها را فروزان‌تر می‌کند. مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به این نکته که شعر جزئی از خاطره جمعی ایرانیان است، گفت: خاطره مشترکی که ایرانیان در ادوار مختلف به آن رجوع می‌کنند و از آن الهام می‌گیرند، حوزه شعر است. وجه مشترک همه ایرانیان گفت‌وگو به زبان شعر است و این حرکت آفرین است و الهام‌بخش. ما می‌توانیم از طریق شعر، گفت‌وگو کنیم و خاطره جمعی بسازیم و موجبات حرکت بین‌المللی را فراهم آوریم. در این محفل از بوستر هجدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر که توسط استاد مسعود نجابتی طراحی شده است، رونمایی شد. همچنین علیرضا قزوه و تعدادی از شاعران ملی و گیلاتی از جمله رضا اسماعیلی، علی داوودی، جلیل واقع‌طلب، احمد خدادوست، مرتضی عبدالرهنوردی، رضایتیکوکار و قیبه آزادیا شعر خوانی کردند.